

درس ۱۵

نوح و وفاداری خدا

پیدایش ۸، ۹

سلام بر شما شنوندگان عزیز. در نام خدا، خداوند آرامش، که می‌خواهد هر یک از شما راه عدالت را که او خود مقرر کرده است، درک کرده و تسلیم آن شوید، و تا به ابد با او آرامش داشته باشید برنامه خود را آغاز می‌کنیم. بسیار خوشحالیم از اینکه باری دیگر برنامه *طریق عدالت* را به شما تقدیم می‌کنیم.

امروز قصد داریم داستان نوح نبی را به پایان برسانیم. ابتدا بیایید مروری داشته باشیم بر آنچه در دو درس گذشته درباره نوح و طوفان عالمگیر آموختیم. در باب ۶ کتاب پیدایش، دیدیم که شرارت در زمان نوح بسیار زیاد شده بود؛ و تمام تصورات دل انسان به شرارت گرایش داشت. به همین دلیل خدا تصمیم گرفت طوفانی بر زمین نازل کند و هر گناهکاری را که از گناه خود توبه نکند و به سوی خدای زنده بازنگردد، از روی زمین محو سازد. در آن روزگار فاسد و پر از شرارت، تنها یک انسان خدا را خشنود ساخت. آن انسان نوح بود. نوح به خدا توکل کرد و او را دوست داشت. به همین دلیل است که روزی خدا با نوح سخن گفت، و به او فرمان داد تا کشتی بزرگی بسازد، تا پناهگاهی باشد برای او، خانواده‌اش، و حیوانات تا بتوانند از طوفان در امان باشند. نوح به مدت صد سال به همراه خانواده‌اش در حال ساختن کشتی بودند و انسانها را تشویق می‌کردند که توبه کنند و به کلام خدا ایمان آورند. باینحال هیچکس به بشارت نوح توجهی نمی‌کرد. هیچکس واقعاً به آنچه که نوح درباره طوفان آینده می‌گفت ایمان نداشت.

به هر حال، کشتی آماده شد. زمان آن فرا رسیده بود که خدا دنیای شریر را داوری کند. خدا برای مدتی طولانی نسبت به استهزاکنندگان خود صبور بود، اما دیگر کاسه صبر او لبریز شد. پس خدا به نوح گفت به همراه خانواده‌اش و هفت جفت از هر حیوان پاک، و یک جفت از هر حیوان ناپاک به کشتی داخل شود. همانگونه که خدا فرمان داده بود نوح و خانواده‌اش به همراه حیوانات وارد کشتی شدند. و کتاب مقدس می‌گوید: «*و خداوند در را از عقب او بست.*» خدایی که در نجات را برای فرزندان آدم باز کرده بود، اکنون در را می‌بندد. روز رحمت خداوند سپری شده بود؛ و روز خشم مهیب او فرا رسیده بود!

سپس رعد و برق، و زمین لرزه سخت به وقوع پیوست. باران به شدت می‌بارید، و سیلی عظیم جاری شده بود. هر کسی در پی این بود که بر روی کوهی برود، اما هیچکس نمی‌توانست از خشم مقدس خدا در امان بماند! آنانیکه نوح را استهزا کردند و کلام خدا را نپذیرفتند، اکنون حقیقت را می‌دانستند. اما دیگر دیر شده بود! دوره نجات سپری شده بود. و خدا در را بسته بود.

به مدت چهل شبانه روز از آسمان باران بارید و از چشمه‌های زمین آب فوران می‌کرد به طوری‌که حتی کوه‌ها را نیز آب فرا گرفت. اما کشتی بر روی آبها شناور بود. کتاب مقدس می‌گوید:

«هر ذی‌جسدی که بر زمین حرکت می‌کرد، از پرندگان و بهایم و حیوانات و کل حشرات خزننده بر زمین، و جمیع آدمیان، مردند. و نوح با آنچه همراه وی در کشتی بود فقط باقی ماند.» (پیدایش ۷:۲۱، ۲۳)

بنابراین کتاب مقدس می‌گوید خدا همانگونه که وعده داده بود مجازات کرد. هرکسی که وارد کشتی نشده بود هلاک شد. خدا نسبت به کلام خود وفادار است.

اما بر سر کسانی که درون کشتی بودند چه آمد؟ آیا خدا نوح و خانواده‌اش را فراموش کرده بود؟ خدا، خدایی که پرندگان آسمان را خوراک می‌دهد، و حتی یکی از آنها بدون اراده وی به زمین نمی‌افتد، آنها را فراموش نکرده بود. بیایید ببینیم در باب هشتم کتاب پیدایش چه نوشته شده است. کتاب مقدس می‌گوید:

«و خدا نوح و همه حیوانات و همه بهایمی را که با وی در کشتی بودند، بیاد آورد. و خدا بادی بر زمین وزانید و آب ساکن گردید و در روز هفدهم از ماه هفتم، کشتی بر کوه‌های آرات قرار گرفت.» (پیدایش ۸:۱، ۴)

پس می‌بینیم که خدا نوح و تمام کسانی را که در کشتی بودند نجات داد. او بادی بر زمین وزانید تا آبها ساکن گردند. خدا کشتی را طوری هدایت کرد تا بر کوهی به نام آرات قرار بگیرد. پس از اینکه نوح و خانواده‌اش به مدت یک سال و یک هفته در کشتی بودند، قسمت اعظمی از آبهای که زمین را پوشانیده بودند خشک شدند. پس خدا به نوح گفت، «از کشتی بیرون شو، تو و زوجهات و پسران و ازواج پسران با تو.» پس نوح و خانواده‌اش از کشتی خارج شدند، و نیز تمام حیوانات. پس از اینکه نوح بیرون آمد، مذبحی بنا نمود، برخی از حیوانات و پرندگان پاک را برای خدا بر روی مذبح قربانی کرد.

آیا تا کنون شنیده‌اید که نوح پس از ترک کشتی چه کار کرد؟ او برخی از حیوانات پاک را قربانی کرد، و آنها را بر مذبحی که ساخته بود سوزانید. خدا شریعتی را که خود گفته بود فسخ نکرده بود: «بدون ریختن خون آمرزش نیست.» (عبرانیان ۹:۲۲) گرچه این طوفان عظیم اکثر گناهکاران را از صحنه زمین محو ساخت اما گناه همچنان در دل فرزندان آدم ریشه کرده بود. همانگونه که دیدیم قربانی این حیوانات بنیادی بود برای راه نجاتی که خدا قرار داده بود. قربانی‌هایی که اجداد ما در آن روزگار انجام می‌دادند، نمادی بودند از نجات‌دهنده‌ای که باید می‌آمد و خون خود را در راه کفاره گناهان فرزندان آدم می‌ریخت. به همین دلیل است که هنگامی که نوح کشتی را ترک کرد، اولین کاری که انجام داد ریختن خون حیوان بود، پس با این کار به فرزندان و نوه‌های خود نشان داد که قوانین خدا تغییر نکرده و همچنان «مزد گناه موت است» (رومیان ۶:۲۳) و «بدون ریختن خون آمرزش نیست.» (عبرانیان ۹:۲۲)

بنابراین کتاب مقدس می‌گوید:

و خداوند بوی خوش بویید..... و خدا نوح و پسرانش را برکت داده، بدیشان گفت: «بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید... عهد خود را با شما استوار می‌گردانم که بار دیگر هر ذی‌جسد از آب طوفان هلاک نشود، و طوفان بعد از این نباشد تا زمین را خراب کند.... اینست نشان عهدی که من می‌بندم، در میان خود و شما، و همه جانورانی که با شما باشند، نسل بعد نسل تا به ابد: قوس خود را در ابر می‌گذارم، و نشان آن عهدی که در میان من

و جهان است، خواهد بود. و هنگامی که ابر را بالای زمین گسترانم، و قوس در ابر ظاهر شود. آنگاه عهد خود را که در میان من و شما و همه جانوران ذی جسد می‌باشد، بیاد خواهم آورد. و آب طوفان دیگر نخواهد بود تا هر ذی‌جسدی را هلاک کند.» (پیدایش ۸: ۲۱، ۹: ۱، ۹: ۱۱-۱۵)

در آیاتی که خواندیم، واژه‌ای است که خدا آن را چهار بار تکرار می‌کند. آیا متوجه این موضوع شدید؟ این واژه، «عهد» است. در کلام خدا، عهد قول یا وعده‌ای خاص است که خدا به انسان می‌دهد. خدا ننگه دارنده عهد است. خدا وفادار است، و می‌خواهد وفاداری خود را به فرزندان آدم نشان دهد! بنا به همین دلیل است که او به خاطر نیکویی خود عهدی با نوح و نسل پس از او بست و گفت، «و آب طوفان دیگر نخواهد بود تا هر ذی‌جسدی را هلاک کند.» این همان چیزی است که خدا وعده داده است. و او عهد خود را تنها به سخن محدود نکرد بلکه رنگین کمان در ابر قرار داد تا تأییدی باشد بر عهد او.

آیا می‌دانستید رنگین کمان زیبایی که گاهی پس از باران در ابرها مشاهده می‌کنید نشانی است از وفاداری خدا؟ هر گاه که رنگین کمانی در ابر می‌بینیم، خدا می‌خواهد به ما بگوید که این وفاداری نسل اندر نسل ادامه خواهد داشت. خدا رنگین کمان را در ابرها قرار داد تا نشانی باشد بر این عهد که او دیگر دنیا و حیات در آن را با آب غرق نخواهد کرد. حقیقتاً که خدا عهد خود را نگاه می‌دارد! او امین است!

در مورد بقیه عمر نوح وقایع دیگری نیز است که می‌توانیم راجع به آنها نیز سخن بگوییم، اما متأسفانه سخن بسیار است اما وقت اندک. باینحال شما خود می‌توانید در باب نه از کتاب پیدایش تورات این وقایع را مطالعه بکنید. خواهید دید که نوح پس از طوفان ۳۵۰ سال دیگر نیز زندگی کرد، و در پیری به نزد خدا به آسمان برده شد.

می‌توانیم با یک یا دو سؤال آنچه را که درباره زندگی نبی خدا، نوح گفتیم خلاصه کنیم. تفاوت میان نوح و مردم زمان خود چه بود؟ نوح برای اینکه رضایت خدا را حاصل کند چه کرد؟ او فقط یک چیز انجام داد. او به کلام خدا ایمان آورد. و به همین خاطر است که نوح به همراه مردم روزگار خود هلاک نشد. به آنچه خدا درباره نوح شهادت داده است گوش دهید:

«به ایمان نوح چون درباره همه اموری که تا آن وقت دیده نشد، الهام یافته بود، خدا ترس شده، کشتی‌ای بجهت اهل خانه خود بساخت و به آن، دنیا را ملزم ساخته، وارث آن عدالتی که از ایمان است گردید. لیکن بدون ایمان تحصیل رضامندی او محال است.» (عبرانیان ۱۱: ۷، ۶)

پیش از اینکه از شما خداحافظی کنیم، دو مفهوم است که باید آنها را به خاطر بسپاریم. مفهوم اول را برایتان شکافتیم. چه چیز باعث شد نوح رضامندی خدا را به دست آورد؟ ایمان او. نوح به خدا ایمان آورد؛ او به آنچه خدا گفته بود ایمان آورد. او به خداوند اطمینان داشت و درحالی‌که دیگران کلام خداوند را رد کردند، او از آن اطاعت کرد. این ایمان نوح بود که باعث شد خدا او را از نسل شروری که در اطراف او بودند رهایی بخشد.

شنوندگان عزیز، آیا به آنچه خدا گفته است ایمان دارید؟ اراده خدا برای هر یک از ما این است که به کلام او همچون نوح ایمان بیاوریم.

دومین مفهومی که ما باید از داستان نوح به خاطر بسپاریم حتی از ایمان نوح نیز مهم‌تر است. آیا می‌دانید چیست؟ این موضوع، وفاداری خدا است. چرا وفاداری خدا بسیار مهم‌تر از ایمان نوح است؟ زیرا اگر خدا در عهد خود با نوح وفادار نبود دیگر ایمان نوح منفعتی برایش نداشت. همه ما می‌دانیم هرگاه که به کسی که به قول خود وفا نمی‌کند اعتماد می‌کنیم چه فاجعه‌ای به بار می‌آید. فرض کنید دوستی دارید که به شما قول می‌دهد و می‌گوید: «فردا برایتان یک کیسه برنج می‌آورم.» شما به او اطمینان می‌کنید. اما اگر او کیسه برنج را نیاورد چه اتفاقی می‌افتد؟ شما ناامید خواهید شد (و شاید عصبانی!). اعتمادی که شما به دوست خود داشتید بی‌ارزش بود. چرا؟ چون دوست شما به قول خود وفا نکرد. و شما به کسی اعتماد کردید که امین نبود.

اما خدا چنین نیست. کتاب مقدس می‌گوید:

«اگر بی‌ایمان شویم او امین می‌ماند، زیرا خود را انکار نمی‌تواند نمود.» (۲ تیموتائوس ۲: ۱۳) «هر بشری مانند گیاه است و تمام جلال او چون گیاه. گیاه پژمرده شد و گلش ریخت، لکن کلمه خدا تا ابد آباد باقی است..... و هر که به وی ایمان آورد خجل نخواهد شد (ناامید نخواهد شد!)» (۱ پطرس ۱: ۲۴، ۲۵؛ ۲: ۶) بله، «خدا امین است!» (اقرن ۱: ۹)

او به آنچه وعده داده است عمل خواهد کرد!

در داستان نوح می‌خوانیم که چگونه خدا به تمام چیزهایی که می‌گوید عمل می‌کند. می‌خوانیم که خدا همانگونه که وعده داده بود، تمام کسانی را که وارد کشتی شده بودند نجات داد و بر کسانی که بیرون کشتی بودند داوری کرد. همچنین دیدیم که خدا گناهان نوح را بخشید، زیرا همانگونه که به وی گفته بود او خون حیوان را قربانی کرد. و دیدیم که خدا چگونه رنگین کمان در ابرها قرار داد تا نوح و تمام انسانها فراموش نکنند که «خدا امین است!»

شنوندگان عزیز، اگر تمام آنچه را که امروز به شما گفتیم فراموش کردید، اما این موضوع را به خاطر بسپارید: خدا امین است! او نمی‌تواند بر خلاف کلام خود عمل کند. او هر چه که وعده دهد انجام خواهد داد، حتی اگر به نظر برسد در انجام وعده‌هایش تأخیر کرده است. «خدا امین است.... و هر که به وی ایمان آورد خجل نخواهد شد.» (۱ قرن ۱: ۹؛ ۱ پطرس ۲: ۶) پس بیاید به خدا ایمان آوریم و با فروتنی کلام او را بپذیریم. و از داستان نوح و طوفان عظیم درس عبرت بیاموزیم و نوح را که به کلام خدا ایمان آورد سرمشق قرار دهیم.

در اینجا برنامه ما به پایان می‌رسد. از اینکه به برنامه ما گوش دادید سپاسگذاریم. به یاری خداوند، در درس بعدی، خواهیم دید که چه بر سر فرزندان نوح آمد و چگونه زبانهای دنیا بوجود آمدند....

با این آیه از کلام خدا شما را به خداوند می‌سپاریم:

«خدا امین است ... و هر که به وی ایمان آورد خجل نخواهد شد.» (۱ قرن ۱: ۹؛ اپتر ۲: ۶)